

## «خسران» سرمایه

زهرا شجاعی

دبیرکل مجمع زنان اصلاح طلب



دیرزمانی نیست که دانشمندان علم مدیریت در ارزیابی سرمایه‌های ملی به پدیده نوینی به نام سرمایه اجتماعی رسیده‌اند.

در گذشته‌های نه‌چندان دور، حکمرانان برای افزایش قدرت خود به سرمایه انسانی و افزایش جمعیت و یا به وسعت خاک و گسترش ارضی و یا به قدرت تسلیحاتی متوسل می‌شدند تا جایی که دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در دوران دوقطبی بودن نظام بین‌الملل آنان را وادار به پیمان‌های کاهش سلاح‌های اتمی چون پیمان سانت ۱ و سانت ۲ کشاند.

اما امروزه که نگاه انسانی در همه حوزه‌های زندگی بشر قوت گرفته و توجه به مادیات و مادی‌گرایی کاهش یافته است در فهرست ثروت‌های ملی که عبارت بودند از سرمایه‌های طبیعی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی یک سرمایه مهم و تأثیرگذار که خودعامل بهره‌مندی از سه سرمایه قبلی هست به نام سرمایه اجتماعی مطرح شده است.

«فوکویاما» معتقد است که هنجارها یا ارزش‌های مشترک که موجب تقویت همکاری اجتماعی بر اساس روابط اجتماعی واقعی شود سرمایه اجتماعی نام دارد. سرمایه نمادین اجتماعی آن چیزی است که میان مردم از احترام و منزلت بالایی برخوردار باشد و «سردار قاسم سلیمانی» چنین بود.

نادر شخصیتی در دوره‌های مختلف تاریخی و در جوامع یافت می‌شود که دارای چنین منزلت، محبوبیت و موقعیتی باشد. جامعه ما به لحاظ فرهنگی و سیاسی دارای تنوع و تکثر است، فضای سیاسی کشور بعد از انقلاب و حوادث و اتفاقات ناشی از آن که مجال پرداختن به آن در این مقال نیست جامعه ما را به گروه‌های مختلف فکری، سیاسی و عقیدتی تقسیم کرده است و گاهی دوقطبی‌های خودی و غیرخودی، انقلابی و طاغوتی چپ و راست، اصلاح طلب و اصولگرا، مذهبی و غیرمذهبی، باحجاب و بدحجاب و... آنچنان شکافی در جامعه ایجاد کرده‌اند که بحران اجتماعی کاهش همبستگی یکی از نگرانی‌های جدی دلسوزان نظام است. سرمایه اجتماعی عبارت است از یک جوهره و یک ظرفیت اجتماعی که همکاری و هماهنگی را در جامعه و گروه تسهیل می‌کند. عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی، گاه عرف و رسم و عادت و قانون است و گاه هنجارهایی که به صورت خودجوش به جای نهادهای رسمی از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آید مثل شرایط سیل یا زلزله و سایر حوادث غیرمترقبه و گاه عوامل بیرونی و خارج از جامعه مثل تجربه مشترک تاریخی، ایدئولوژی یا فرهنگ مشترک است و یا روابط خویشاوندی، همبستگی قومی و غیره اما وجود شخصیت‌هایی که دارای کاریزما و منزلت و محبوبیت خاص اجتماعی هستند که البته آن را در اثر رفتار حکیمانه و مخلصانه خود به دست آوردند سرمایه گرانشگی است که باید آن را قدر نهاد و بر سر صدر نشانند.

درباره خصوصیات اخلاقی و منش و سیره رفتاری سردار دل‌ها قاسم سلیمانی دوستان زیاد شنیده‌اند و گفته شده و می‌شود اما نکته قابل تأمل این است که سرمایه را نباید مصادره به مطلوب کرد که از حیز انتفاع می‌افتد. اگر او محبوب دل‌های همه جریان‌ات و جناح‌های سیاسی و گروه‌های مختلف فکری است، انتساب به یک جریان و انحصار او در یک طیف، ظلم به اوست. ما چه حقی داریم که برخلاف وصیت او عمل کنیم و بر اساس اجتهاد شخصی عنوان «سرباز وطن» را که وصیت او بود و همگان دیدند و شنیدند تغییر دهیم؟ ما چه حقی داریم که وصیتنامه یا سخنان او را گزینشی منتشر کنیم و او را به تمام و کمال همان گونه که بود به جامعه معرفی نکنیم و این گونه هست که تاریخ تحریف می‌شود. اینجاست که اگر از سرمایه درست استفاده نشود و در مسیر صحیح و دقیق، همان گونه که ذات و ماهیت آن سرمایه بود به کار گرفته نشود، دچار «خسران» خواهیم شد و «خسران» از دست رفتن اصل سرمایه است و نه ضرر کردن یا سود کم کردن و گمان نکنیم که با چنین رفتارهایی به نفع او و در جهت مصالح او حرکت کردیم که قرآن می‌فرماید:

هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

## سردار دل‌ها

معصومه ابتکار

معاون رئیس‌جمهوری  
در امور زنان و خانواده



راز دوست داشتن حاج قاسم سلیمانی و محبوبیت او چه بود و چرا اینچنین در دل مردم برای همیشه ماندگار شد؟ چرا تشییع آن سردار در تهران و شهرستان‌ها و بسیاری از سرزمین‌های مسلمانان شاهد حضور میلیونی مردم از اقشار و افکار مختلف بود؟ محبوبیت این فرمانده سپاه قدس از چه ریشه می‌گرفت که مراسم وداع با او خاطره وداع با امام (ره) در سال ۶۸ را به اذهان متبادر می‌کرد؟ و البته برای بسیاری از تحلیلگران غیرقابل پیش‌بینی بود. مردم طی سال‌های اخیر چه چیزی را در او دیدند که اینچنین قدرشناسی خود را نشان دادند؟

شاید اینکه او فرمانده بود ولی نه فقط در میدان جنگ بلکه در میدان اخلاق و شاید شجاعتش در مقابل داعشیان وحشی مورد حمایت امریکا و اسرائیل، شاید هوش و ذکاوت کم نظیرش در صحنه نبرد و استراتژی متقارن و نامتقارن که هر کدام تحسین برانگیز بوده؛ اما اینها همه ویژگی‌هایش نیست.

آن شهید که دوست داشت یک سرباز بشناسندش هرگز شاخه به شاخه و در وادی‌های مختلف از جمله حوزه اقتصادی پا نگذاشت و همواره استوار فقط در مسیر تقویت قدرت دفاعی ایران و جبهه مقاومت ثابت قدم ماند. سلیمانی شهروندی جهانی بود، چرا که برای وحدت بین ادیان و مذاهب حتی ایزدی‌ها صادقانه تلاش کرد که این ویژگی و عملکرد او نقش مهمی در شکست ساختاری و فکری داعش بود.

برای سردار سلیمانی نداشته‌ها هم مهم بود. او جانبداری سیاسی یکطرفه نداشت. سعی می‌کرد همه را ببیند و گرفتار تنگ‌نظری نشود تا نگاه منفی در برخورد با طیف‌ها و گروه‌ها و بخصوص جوانان نداشته باشد. به جوانان فارغ از تیپ و ظاهر آنها احترام می‌گذاشت؛ چه دختران و چه پسران این سرزمین. مهم‌تر از همه شهید سلیمانی اهل روایت مباحثه نبود و به خودش اجازه نمی‌داد با تهمت و دروغ حتی دشمنانش را تخریب کند.

آن فرمانده درباره جریان‌ات اجتماعی و سیاسی مستقل می‌اندیشید. روابط حسنه‌اش با همه طیف‌های سیاسی و حتی شخصیت‌هایی که توسط جریان‌ات خاص زیر سؤال رفته و سیبل اتهامات می‌شدند مانند مرحوم هاشمی رفسنجانی، خاتمی و برخی اعضای دولت کنونی مؤید این ادعاست.

سلیمانی یک انقلابی پندجاه و هفتی بود که به روز می‌اندیشید و مسلمانی که به آداب و ادب مسلمانی عمل می‌کرد. او در وفای به عهد، امانتداری و صداقت سرآمد و مرامش ادب و احترام و دست خیرش باز بود. او که در طرح کاشت نهال در راهپیمایی اربعین و کمک به بخشش محیط‌بانان در معرض اعدام، اعلام همراهی کرده بود همانگونه که شهید زیست، شهید پر کشید.

این روحیه، مردم را جذب و دل آنها را به او نرم و مهربان کرد، که: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا... همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند خدای رحمان آنها را محبوب می‌گرداند.